

تحلیل اثرات دگردیسی الگوی کشت بر ساختار کالبدی سکونتگاه‌های

روستایی شهرستان سیرجان

محمودرضا میرلطفی^۱

استادیار جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه زابل، زابل، ایران

مهدیه پورجعفرآبادی

کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه زابل، زابل، ایران

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۴/۰۴/۲۸

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۴/۰۲/۲۶

چکیده

سکونتگاه‌های روستایی به عنوان کهن‌ترین شکل اجتماعات انسانی، به دنبال تغییر در شیوه معیشت و نحوه زندگی، عموماً بر پایه کشاورزی و فعالیت‌های وابسته به آن ایجاد و گسترش یافته‌اند. در این راستا نوع غالب از شیوه معیشت در این کانون‌های زیستی علاوه بر اینکه گویای کارکرد روستا در آن ناحیه است، عاملی مهم و تأثیرگذار بر بافت، کالبد و شکل منازل مسکونی نیز می‌باشد. با این نگرش هدف مقاله حاضر بررسی اثرات دگردیسی الگوی کشت بر ساختار کالبدی سکونتگاه‌های روستایی شهرستان سیرجان با روش توصیفی - تحلیلی می‌باشد. جمع‌آوری داده‌ها از طریق مطالعات کتابخانه‌ای و تکمیل پرسشنامه از کشاورزان در ۴ طبقه از روستاهای جامعه نمونه انجام شده است. برای آزمون فرضیات از آزمون آماری کروسکال - والیس استفاده شده است. یافته‌ها حاکی از آن است که دگردیسی الگوی کشت بر تغییر ساختار کالبدی سکونتگاه‌های روستایی منطقه مورد مطالعه مؤثر می‌باشد، به طوریکه ۸۵/۱ درصد خانوارها دارای تغییر الگوی کشت بوده‌اند که در پی این تغییر نظام سکونتگاهی مدرن و به تقلید از سبک مسکن شهری با مصالح جدید همچون آجر، آهن، گچ و سیمان ساخته شده است. از نظر وسعت و شکل فضای آزاد، ساخت بنا، شکل درونی اتاق‌ها (تعداد اتاق‌ها و کارکرد آن‌ها)، شکل ظاهری خانه‌ها (شیوه ساخت و معماری) تغییرات ایجاد شده است و از مساحت و تعداد اتاق آن‌ها کاسته و عناصری همچون محل نگهداری دام، کارگاه تولید فرش از خانه‌های روستایی حذف شده است و در بین شاخص‌های بررسی شده در سطوح تغییر الگوی کشت «رضایت از فضاهای زیستی» با میانگین ۴/۰۴ بالاترین رتبه و «رضایت از فضای سبز منزل» با میانگین ۲/۶۷ پایین‌ترین رتبه را دارا می‌باشند.

واژگان کلیدی: دگردیسی، الگوی کشت، ساختار کالبدی، سکونتگاه روستایی، شهرستان سیرجان.

مقدمه

سکونتگاه روستایی به عنوان یک پدیده جغرافیایی، دارای نمود فضایی - عینی و تحت تأثیر عوامل طبیعی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی قرار می‌گیرد که در بستر طبیعت و در چارچوب مناسبات انسان و محیط شکل گرفته است و به طور طبیعی تجلی‌گاه شیوه زیستی - معیشتی گروه‌های روستایی به شمار می‌رود (سعیدی و حسینی حاصل، ۱۳۸۸: ۵). همچنین سکونتگاه‌های روستایی به عنوان کهن‌ترین شکل اجتماعات انسانی، به دنبال تغییر در شیوه معیشت و نحوه زندگی، عموماً بر پایه کشاورزی و فعالیت‌های وابسته به آن در فضاها جغرافیایی دارای منابع آب و خاک حاصلخیز ایجاد شده و گسترش یافته‌اند. در این راستا نوع غالب از شیوه معیشت در این کانون‌های زیستی علاوه بر اینکه گویای کارکرد روستا در آن ناحیه است، عاملی مهم و تأثیرگذار بر بافت، کالبد و شکل منازل مسکونی نیز می‌باشد (شمس الدینی و همکاران، ۱۳۹۰: ۵۷)؛ بنابراین مکانیابی، بافت، کالبد و شکل کلی مسکن روستایی ایران، رابطه تنگاتنگی با نوع معیشت، تولید و منابع اقتصادی روستا داشته است (زرگر، ۱۳۸۶: ۱۰۱). در طول چند دهه گذشته تغییرات اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و فیزیکی که در نواحی روستایی کشورهای توسعه نیافته و در حال توسعه رخ داده است از گستره وسیعی برخوردار می‌باشد و ساختار و کارکرد نواحی روستایی را در مناطق مختلف متحول کرده و موجبات شکل‌گیری ساخت‌های جدید را ایجاد کرده است (احمدی شاپورآبادی و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۸۲).

کشاورزی به عنوان یک پدیده اقتصادی از بدو پیدایش همواره شرایط یکسانی نداشته و به طور مستمر یا متناوب دگرگون می‌شود (آمار و رضایی، ۱۳۸۶: ۱۰۱). در واقع انقلاب کشاورزی با تغییر نیازها و شیوه زندگی، خانه و محل زندگی انسان را تغییر داده و انتظارات جدید و متفاوتی را به وجود آورده است (علی الحسابی و کرانی، ۱۳۹۲: ۱۹). مطالعات انجام شده حاکی از آن است که حدود ۸۰ درصد روستاییان شهرستان سیرجان کشاورز بوده که در سه دهه اخیر دگردیسی الگوی کشت متناسب با مزیت‌های نسبی و ویژگی‌های خاص منطقه از گندم - جو به گسترش و توسعه باغات پسته تجربه نموده‌اند. بر این اساس، به مقتضای این شرایط، شاهد تغییر ساختار کالبدی سکونتگاه‌های روستایی بوده‌ایم. شواهد گویای آن است که در گذشته با وجود کشت گندم و جو و کشاورزی معیشتی، نظام سکونتگاه‌ها سنتی بوده و دارای کارکردهایی همچون انبارهای گندم و جو، محل نگهداری ماکیان، تنورهای پخت نان، محل نگهداری علوفه، کارگاه تولید فرش، حوض، باغچه بوده‌اند. از طرفی خانه‌های خشتی و کاه‌گلی ساخته شده از مصالح بومی روستا و ارتباط مستقیم با فرهنگ توده‌ها، آداب و رسوم، زندگی روزمره آن‌ها و همچنین سنخیت با نوع الگوی کشت و مطابقت با کارکرد خانواده داشته است. در حالی که امروزه در برخی از روستاهای منطقه مورد مطالعه با تغییر الگوی کشت شاهد کاهش سطح زیر کشت غلات و افزایش محصول پسته می‌باشیم که در پی این دگردیسی الگوی کشت، نظام سکونتگاه‌های روستایی نیز متحول شده است. بنابراین هدف این پژوهش شناسایی اثرات دگردیسی الگوی کشت بر ساختار کالبدی سکونتگاه‌های روستایی شهرستان سیرجان می‌باشد و با توجه به موارد ذکر شده در پی پاسخ به این فرضیه می‌باشیم:

- بین سطح دگردیسی الگوی کشت و ساختار کالبدی سکونتگاه‌های روستایی شهرستان سیرجان رابطه معناداری وجود دارد.

مبانی نظری

مسکن از دیرباز یکی از مهم‌ترین نیازهای زندگی بشر بوده است. داشتن سرپناه ایمن و مطمئن از آرزوهای دیرینه هر انسانی بوده که در این راه با توسل به انواع روش‌ها و تکنولوژی‌ها سعی در ارتقای کمیت و کیفیت مسکن نموده است (قادر مرزی و همکاران، ۱۳۹۲: ۹۴). در واقع مسکن به عنوان کوچک‌ترین عنصر سکونتگاه‌ها زاینده مهم‌ترین نیاز انسان‌ها و به وجودآورنده یکی از پدیده‌های جغرافیایی هر منطقه به شمار می‌رود. در شکل‌گیری انواع مسکن در کنار عوامل نژادی، تاریخی، روانی، عوامل جغرافیایی که از منطقه‌ای به منطقه دیگر متفاوت است، نقش عمده‌ای دارد (سرابی، ۱۳۹۱: ۲۷). مسکن روستایی به عنوان کانون متمرکز و تبلور کالبدی ارزش‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی حاکم بر زندگی روستاییان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. در بعد کلان، عملکرد مسکن در توسعه اقتصادی- اجتماعی و فرهنگی به ویژه از نقطه نظر نقش آن در ایجاد اشتغال و جریان سرمایه و نهایتاً ایجاد رفاه و آسایش روانی و فکری جامعه اهمیت خاصی یافته و در بعد خرد نیز دستیابی به مقوله عمران (شهری و روستایی) به عنوان عنصری مهم از پیکره اقتصادی کشور، لزوم توجه به مسکن روستایی را ضروری می‌سازد (صیدایی و قاسمیان، ۱۳۹۱: ۸۸). بنابراین سکونتگاه‌های روستایی تحت عنوان یک نظام به هم پیوسته، متشکل از اجزا و عناصری مرتبط با یکدیگر که از کنش متقابل نیروها و عوامل محیطی شکل گرفته است، دارای ساختار و کارکردهای معینی می‌باشد که در گذر تحولات و رخداد‌های پیش آمده متأثر از نیروها و روندهای درونی و بیرونی حاکم بر عرصه‌های روستایی، دچار تغییرات و دگرگونی‌های اساسی در بافت و کالبد فضایی خود شده و برای آنکه بتوانند به حیات و رشد خود ادامه دهند نیازمند همگامی و هماهنگ شدن با تحولات پیش آمده در دیگر عرصه‌های سکونتی جامعه و به روز کردن شرایط زیست و محیط سکونتگاهی خود با تکنولوژی، شرایط اجتماعی- اقتصادی و محیط تغییر یافته پیرامون خود می‌باشند. بدین سان تطورپذیری و پویایی یکی از ویژگی‌های سکونتگاه‌های انسانی می‌باشد که در فضا و طی روندهای زمانی به مدد تبدلات تغییر شکل‌ها و نقل و انتقالات صورت می‌پذیرد (اردهایی و رستمعلی‌زاده، ۱۳۹۱: ۷۲). به طور کلی عوامل تغییر در ریخت و بافت کالبدی روستاها و مسکن روستایی را می‌توان در موارد ذیل خلاصه نمود:

- تغییر در نحوه مالکیت اراضی؛

- ورود تکنولوژی و ماشین آلات جدید تولید به روستاها که سبب استقلال مالی خانواده‌ها و افزایش درآمد آن‌ها گردیده است.

- تغییر نظام خانواده (از گسترده و پدرسالار به هسته‌ای و تک خانواده)؛

- مجاورت مکانی روستاها به شهر و در پی آن مهاجرت‌ها و رفت و آمدهای مداوم به شهر؛

- اجرای طرح‌های هادی و بهسازی محیط‌های روستایی به تقلید از فضاهای شهری؛

- غلبه فرهنگ و الگوی زندگی و معیشت شهرنشینی در روستاها (طالب و عنبری، ۱۳۸۴: ۵۱-۴۹). این عوامل سبب کم‌رنگ شدن بسیاری از عناصر در ساخت و سازهای جدید در فضای روستا می‌شود که در جدول ۱ مشاهده می‌شود:

جدول ۱: مفاهیم کم رنگ شده در ساخت و سازهای جدید

- تبدیل فرم ارگانیک واحدهای مسکونی به فرم‌های کاملاً هندسی	- کم رنگ شدن مسائل اقلیمی
- حذف فضاهای نیمه باز و بینابین در واحدها	- نادیده گرفتن مسائل مربوط به محرمیت در فضاها
- حذف کارکرد حیاط و تبدیل آن به پارکینگ	- استفاده از مصالح روز (بدون توجه به بافت پیرامون)
- حذف فضاهای خدماتی در واحدها	- طراحی نماهای همسان با خانه‌های شهری
- تفکیک کامل فضاهای زیستی براساس کارکرد	- عدم توجه به اندازه فضاها

منبع: بی‌تی، ۱۳۸۹: ۱۲۰

در نهایت ویژگی‌های معماری بافت قدیم خانه‌های روستایی در جدول ۲ مشاهده می‌شود:

جدول ۲: ویژگی‌های معماری بافت قدیم خانه‌های روستایی

فرم پلان	حیاط مرکزی
تعداد طبقات	عمدتاً یک طبقه
مصالح ساختمان	خشت و گل
نماسازی	فاقد نماسازی و استفاده از کاهگل برای پوشش جداره‌های خارجی و تزئین پنجره‌ها، اسی‌ها، درب‌ها، طاق‌ها و طاقنماها در نماهای داخلی (جداره‌های مشرف به حیاط مرکزی)
ویژگی‌های معماری	تقارن و تناسب حیاط مرکزی در کنار بهره‌گیری از فضای سبز، حوض‌ها و باغچه‌های زیبا در آن مبین اهمیت حیاط مرکزی به عنوان منطقه آسایش در خانه است.

منبع: سرایی، ۱۳۹۱: ۲۹

کارکرد سکونتگاه‌های روستایی، به طور کلی، به دو جنبه بنیادی بستگی و ارتباط دارند: نخست، ساختار کالبدی و اجتماعی - اقتصادی روستا و دیگر، اهداف متصور بر اجتماع جماعات روستا. بر این مبنا، کارکردهای مختلف روستاها که از لحاظ مفهومی شامل مجموعه فعالیت‌ها و ارتباطات ناشی از آنهاست، با توجه به این اهداف و ساختارها پدیدار و امکان‌پذیر می‌گردند (سعیدی و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۰). از مهمترین دیدگاه‌های مرتبط با تغییرات کارکردی، پویای ساختاری - کارکردی است. فرض اساسی نظریه پویای ساختاری - کارکردی بر این واقعیت استوار است که میان ساختار و کارکرد تمام پدیده‌ها، در اینجا پدیده‌های جغرافیایی، نوعی پیوند تنگاتنگ و غیرقابل انکار برقرار است که مجموعه حاصل از آن قابلیت‌های آن نظام را نمایندگی و تحقق‌پذیر می‌کند. بدین سان، نظام‌ها و در اینجا، نظام‌های مکانی - فضایی متأثر از دو دسته عوامل و نیروها هستند: عوامل و نیروهای درونی و نیروهای بیرونی (سعیدی، ۱۳۹۰: ۱۴). در جریان زمان ممکن است در الگو و ترتیب یک سکونتگاه تغییر شکل ایجاد شود. برخی از سکونتگاه‌های هسته‌ای به سکونتگاه‌های پراکنده و برخی سکونتگاه‌های پراکنده به سکونتگاه‌های هسته‌ای در طی زمان تغییر شکل داده‌اند. به همراه تغییرات در ترتیب و الگو همچنین، نقش‌های سکونتگاه‌ها در طول زمان تغییر می‌کند. تغییر در نوع فعالیت و جمعیت، تغییرات در کارکرد محیط‌های روستایی را به همراه خواهد داشت. البته در این بین عوامل درونی و بیرونی در تغییرات کارکردی و یا شکل‌گیری کارکردهای جدید نقش ایفا می‌کنند. بر این مبنا، در دهه‌های اخیر، فعالیت کشاورزی در برخی نواحی روستایی، نه تنها به سبب عوامل درونی بلکه بیشتر

به واسطه نیروهای بیرونی در معرض دگرگونی شتابان بوده است (احمدی شاپورآبادی و همکاران، ۱۳۲: ۱۸۸). سکونتگاه‌های روستایی برای ساکنان خود فضاهای لازم برای زندگی، کار و فعالیت، انبار کالا و آذوقه، نگهداری دام، ارتباط و مبادله اطلاعات، اجرای مراسم و مانند آن را مهیا می‌سازند. به این ترتیب، کارکردهای مختلف آن‌ها به طور کلی به ۳ دسته تقسیم می‌شوند که عبارتند از: کارکردهای زیستی؛ کارکردهای اقتصادی (معیشتی - تولیدی)؛ و کارکردهای تدارکاتی. هریک از این کارکردها، عرصه‌ها و فضاهای خاصی را به خود اختصاص می‌دهند (سعیدی و امینی، ۱۳۸۹: ۳۲).

پیشینه تحقیق

دافی^۱ (۱۹۸۳)، در مقاله‌ای با عنوان «تغییر سکونتگاه‌های روستایی در ایرلند» بیان کرده است که در بعد اقتصادی و اجتماعی روستا تغییراتی از قبیل: تحول ساختار جمعیت، کم شدن مشاغل روستایی و افزایش قابل توجه مشاغل شهری رخ داده و در نتیجه سبب عدم تعادل در بافت روستا شده است. فرانکلین^۲ (۲۰۰۶)، در مقاله خود با عنوان «تحولات مسکن» به شرح و مفاهیم مدل‌های مسکن و بررسی ضروریات زمان حال مسکن در ارتباط با یک مجموعه از فرهنگ، اقتصاد و شرایط سیاسی می‌پردازد. بانسکی و وسلووسکا^۳ (۲۰۱۰)، در پژوهشی تحت عنوان «تحولات در ساختار مسکن نواحی روستایی در منطقه لوبلین لهستان» به بررسی الگوهای جدید ساختمانی که کارکردهای مختلف دارند می‌پردازند و سطح توسعه اقتصادی را باعث جدایی مناطق از لحاظ ساخت الگوی مسکن می‌داند.

شمس‌الدینی (۱۳۸۷)، در پژوهشی تحت عنوان «جایگاه مسکن روستایی در تأثیرپذیری تغییرات کالبدی - فضایی روستاها از محیط‌های شهری» بیان کرده که سکونتگاه‌های روستایی به عنوان چشم‌انداز فرهنگی حاصل از تعامل بین انسان و محیط، در طی فرآیندهای متأثر از عوامل و نیروهای درونی و بیرونی دچار تغییر و تحولاتی در بافت کالبدی - فضایی خود شده‌اند. سعیدی و احمدی (۱۳۹۰)، در تبیین نتایج طرح پژوهشی خویش با عنوان «شهرگی و دگردیسی ساختاری - کارکردی خانه‌های روستایی مطالعه موردی: روستاهای پیرامون شهر زنجان» اذعان داشته‌اند که در سال‌های اخیر، توجه به جابجایی‌های روستا - شهری و اثرگذاری شهر بر دگرگونی بافت‌های روستایی مورد تأکید بوده است و به این نتیجه رسیده‌اند شدت تحول در سکونتگاه‌های روستایی پیرامون شهرها، بشرط امکان دسترسی، بیشتر بوده است و با گسترش دامنه جریان‌های مختلف شهری - روستایی و افزایش دسترسی نقاط روستایی به شهرها، روستاها و عناصر کالبدی - فضایی آن‌ها نیز دچار تغییر و تحول شده‌اند. صیدایی و قاسمیان (۱۳۹۱)، در پژوهشی تحت عنوان «بررسی روند تغییرات کارکردی خانه‌های روستایی نمونه موردی: روستای گرجی محله، استان مازندران» بیان کرده‌اند که طی چند دهه اخیر، روستاهای ایران تحت تأثیر تغییرات اجتماعی، از لحاظ زیستی و فرهنگی دچار دگرگونی فزاینده‌ای شده‌اند و به این نتیجه رسیده‌اند که بین نوع شغل و تحول خانه‌های

¹ Duffy

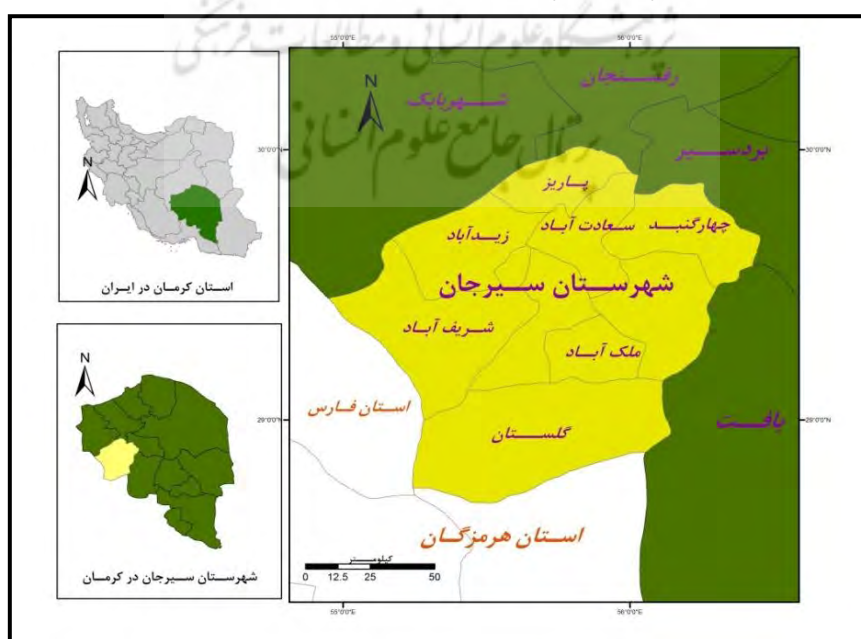
² Franklin

³ Ban ski and Wesolowska

روستایی و همچنین بین کسب و افزایش آگاهی از فناوری رابطه مستقیم و معناداری وجود دارد. سعیدی و همکاران (۱۳۹۲) در مقاله‌ای تحت عنوان «نوسازی مسکن و دگرگونی ساختاری - کارکردی خانه‌های روستایی مورد: روستاهای شهرستان ایجرود» بیان کرده‌اند که مسکن به مثابه جزئی از نظام فضایی روستا از ویژگی‌های خاص ساختاری - کارکردی برخوردار است و در ادامه به این نتیجه دست یافتند که تغییر در ساختار کالبدی، چه آگاهانه و چه ناآگاهانه، زمینه دگرگونی فعالیت‌ها و روابط را نیز فراهم می‌آورد.

معرفی منطقه مورد مطالعه

شهرستان سیرجان با وسعتی در حدود ۱۳۱۲۹ کیلومتر مربع در جنوب غربی استان کرمان قرار گرفته است و از شمال به شهرستان شهربابک، از شرق به شهرستان بردسیر، از جنوب به استان هرمزگان و از غرب به استان فارس محدود می‌شود و با موقعیت ۵۵ درجه و ۴۰ دقیقه طول شرقی و ۲۹ درجه و ۲۷ دقیقه عرض شمالی در تقاطع راه‌های شوسه آسفالت چهار استان یزد، کرمان، فارس و هرمزگان و در مسیر راه اصلی تهران - بندرعباس ویژگی بسیار مناسبی را بدست آورده است. در زمینه کشاورزی شهرستان سیرجان جایگاه ویژه‌ای دارد. از آنجا که در سه دهه گذشته ۸۶/۶ درصد کشاورزان به محصولات زراعی از قبیل گندم، جو و صیفی‌جات می‌پرداختند اما به دلیل شرایط اقلیمی (کمبود آب) تغییر الگوی کشت در منطقه پدیدار شده است و در حال حاضر ۴٪ درصد کشاورزان به کشت گندم و جو، ۵۶/۳ درصد به کشت و تولید پسته و ۲۸/۸ درصد پسته به همراه محصولات زراعی که نشان‌دهنده بارز دگردیسی الگوی کشت در روستاهای شهرستان سیرجان می‌باشد (یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۳). براساس آمار سال ۱۳۹۰ سطح زیرکشت پسته ۵۹۳۰۰ هکتار و میزان تولید ۴۵۵۹۵۲ تن بوده است. این شهرستان مطابق با آخرین تقسیمات کشوری دارای ۷ مرکز شهری و ۵ بخش به نام‌های مرکزی، پاریز، بلورد، گلستان و زیدآباد و ۱۰ دهستان می‌باشد (جهاد کشاورزی شهرستان سیرجان، ۱۳۹۳).



شکل ۱: نقشه معرفی منطقه مورد مطالعه

مواد و روش‌ها

تحقیق حاضر از نوع کاربردی بوده و روش بررسی آن توصیفی - تحلیلی و پیمایشی است. برای گردآوری داده‌ها از دو روش کتابخانه‌ای و همچنین از روش میدانی و مشاهده مستقیم استفاده شده است. کل خانوارهای روستایی شهرستان سیرجان جامعه آماری تحقیق حاضر را تشکیل می‌دهند. برای دستیابی به حجم منطقی از جامعه نمونه از فرمول کوکران استفاده شد. با توجه به حجم جامعه آماری در مناطق روستایی، ۳۷۵ خانوار کشاورز به عنوان جامعه نمونه تعیین گردید. حجم روستاهای نمونه براساس فرمول شارپ و تصحیح ۳۲ روستا انتخاب گردید. سپس برای رعایت اصول و تکنیک کار و سنجش میزان پایایی در تدوین و تنظیم پرسشنامه، از روش آلفای کرونباخ در نرم افزار SPSS استفاده گردید که با داده‌های کسب شده، ضریب اعتبار پرسشنامه بیش از ۰/۸۶ درصد بدست آمد. در مراحل بعدی تحقیق، تحلیل داده‌ها در قالب پرسشنامه با استفاده از نرم افزار SPSS و GIS صورت گرفته و از آزمون آماری کروسکال وایس برای آزمون فرضیه استفاده شده است.

جدول ۳: شاخص‌های مورد استفاده در تحقیق

شاخص‌های کالبدی
استحکام و مقاومت مسکن، رضایت از مساحت فضاهای زیستی، رضایت از مساحت فضاهای معیشتی، رضایت از مساحت واحد مسکونی و تعداد اتاق، رضایت از سیستم گرمایشی مسکن، رضایت از سیستم سرمایشی مسکن، رضایت از تفکیک واحدهای داخلی مسکن (جداشدن اتاق خواب، پذیرایی و...)، رضایت از وسعت و شکل فضای سبز مسکن (مانند فضای باغچه)، رضایت از سطح زیر بنای مسکن، رضایت از انبار محصولات کشاورزی، رضایت از مکان نگهداری ادوات کشاورزی، رضایت از نما و طراحی مسکن تان، رضایت از فضای آشپزخانه (باز یا بسته) بودن، رضایت از سرویس بهداشتی مسکن، رضایت از نور و روشنایی مسکن

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۳

بحث و یافته‌ها

میانگین سنی جامعه نمونه ۵۱ سال، با حداقل ۲۰ و حداکثر ۷۸ سال می‌باشد. از نظر سواد، ۳۸/۹ درصد بی‌سواد ۶۱/۱ درصدشان باسواد بوده‌اند. شغل همه پاسخگویان کشاورز و تعداد روستاهای جامعه نمونه، ۳۲ روستا در ۱۰ دهستان می‌باشد و برای سنجش تغییرات کالبدی در روستاها با توجه به نوع کشت، روستاها گروه‌بندی شده‌اند (جدول ۴).

جدول ۴: گروه‌بندی روستاهای جامعه نمونه براساس درصد دگردیسی الگوی کشت

گروه	سطح‌بندی دگردیسی الگوی کشت	روستاهای نمونه مورد مطالعه	تعداد
اول	تغییر نداشتند	کورگاه، ده‌سراج، جیرستان، پسوجان، روچون‌علیا، اسطور، بلورد، چناران، دهنو	۹
	۴۰ تا ۶۰ درصد	چاه قلعه، چاه هفتادتومانی، گلستان	۳
	۶۰ تا ۸۰ درصد	ابراهیم‌آباد، ملک‌آباد، دارستان، امیرآبادشول، جلال‌آباد، فخرآباد، باسفرجان، شریف‌آباد، حجت‌آباد	۹
دوم	۸۰ تا ۱۰۰ درصد	زیدآباد، دارینوئیه، اسلام‌آباد، عزت‌آباد، سلیمانیه، اکبرآباد، نصرت‌آباد، محمودآباد سید، عمادآباد، مبارکه، فیروزه	۱۱
جمع			۳۲

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۳

گروه اول شامل روستاهای (کورگاه، ده‌سراج، جیرستان، پسوجان، روچون‌علیا، اسطور، بلورد، چناران، دهنو) که ۱۴/۹ درصد خانوارها را شامل می‌شوند و به دلیل شرایط اقلیمی منطقه (شیب و ارتفاع زیاد) تغییر الگوی کشت رخ نداده است. گروه دوم که ۸۵/۱ درصد خانوارها و شامل ۳ سطح تغییر الگوی کشت می‌باشد که سطح اول بین ۴۰ تا

۶۰ درصد تغییر (روستاهای چاه قلعه، چاه هفتادتومانی، گلستان)، سطح دوم بین ۶۰ تا ۸۰ درصد (روستاهای ابراهیم‌آباد، ملک‌آباد، دارستان، امیرآبادشول، جلال‌آباد، فخرآباد، باسفرجان، شریف‌آباد، حجت‌آباد) و سطح سوم بین ۸۰ تا ۱۰۰ درصد که شامل (زیدآباد، دارینوئی، اسلام‌آباد، عزت‌آباد، سلیمانیه، اکبرآباد، نصرت‌آباد، محمودآباد سید، عمادآباد، مبارکه و فیروزه) می‌باشند. در سه دهه گذشته، نوع کشت در گروه اول و دوم متفاوت بوده است. در گروه اول (بدون تغییر الگوی کشت)، کشت غالب گردو و بادام می‌باشد که در گذشته و حال بیشترین درصد را به خود اختصاص می‌دهد. اما در گروه دوم در گذشته کشت غالب گندم و جو، اما در حال حاضر، پسته می‌باشد که نشان‌دهنده بارز دگرذیسی الگوی کشت در روستاهای شهرستان سیرجان است (جدول ۵).

جدول ۵: کشت سه دهه قبل و حال کشاورزان منطقه مورد مطالعه

گروه اول (بدون تغییر الگوی کشت)			گروه دوم (دارای تغییر الگوی کشت)		
کشت قبل	درصد	کشت در حال حاضر	درصد	کشت قبل	درصد
گندم و جو و صیفی جات	٪۲۵	گندم و جو	۲۷/۱	گندم و جو	۵۵/۷
گردو و بادام	٪۴۵	گردو بادام	۴۳/۷	گندم و جو و صیفی	٪۴۷
زردآلو و آلبالو	٪۱۶	زردآلو و آلبالو و انار	٪۲۵	پسته و محصولات زراعی	۳۳/۹
انار، به	٪۱۴	پسته	۴/۲	پسته	۶۵/۸
					-

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۳

بررسی وضعیت کیفی و تحولات ساختاری مسکن روستایی در منطقه مورد مطالعه بین گروه اول و دوم از تفاوت آشکاری برخوردار است. در گروه اول وضعیت برخورداری مسکن از نظر نوع اسکلت بکار رفته، ۶۶/۷ درصد مسکن دارای اسکلت فلزی و با مصالح آجر و سیمان بوده است و ۳۳/۳ درصد از خشت و گل ساخته شده است. در خصوص مساحت، بیشترین درصد در مساحت ساختمان‌هایی بین ۳۰۰ تا ۳۵۰ متر که ۳۸/۶ درصد و در ارتباط با زیربنا، بیشترین درصد بین ۲۰۰ تا ۲۵۰ متر که ۴۴٪ درصد می‌باشند و همچنین در گروه اول ۵۸/۶ درصد خانوارها، ۴ اتاق داشتند و ۴۹/۱ درصد خانوارها قدمت ساختمان آن‌ها به بیش از ۲۰ سال می‌رسد. در گروه دوم، با دگرذیسی و تغییر الگوی کشت و افزایش درآمد، در ساختار سکونتگاه‌های روستایی دچار تغییرات فراوانی شده است؛ وضعیت برخورداری مسکن روستایی از نظر نوع اسکلت بکار رفته، ۷۵/۴ درصد مسکن دارای اسکلت فلزی و با مصالح آجر و سیمان و ۱۲/۵ درصد از خشت و گل ساخته شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد، اکثر مسکن جدید با کاهش میزان در مساحت خود روبه رو شده‌اند؛ به طوری که ۵۷ درصد زیر بنای ساختمان‌ها به ۱۰۰ تا ۱۵۰ متر کاهش پیدا کرده است و همچنین ۶۲/۶ درصد مسکن روستایی کمتر از ۱۵ سال قدمت ساخت دارند. نوسازی مسکن در گروه دوم، سبب حذف فضاهای متعدد از مسکن و کاهش زیربنای مسکن نسبت به گذشته شده است. در ارتباط با تعداد اتاق، ۵۶/۶ درصد خانوارها از ۳ یا کمتر از ۳ اتاق برخوردار هستند. در نتیجه می‌توان گفت از ویژگی‌های هر واحد مسکونی در گروه اول سکونتگاه‌های روستایی شهرستان سیرجان وجود کارگاه‌های تولید فرش، تنورخانه برای پخت نان و... بوده است اما با تغییر الگوی کشت در گروه دوم می‌توان بیان داشت که در حال حاضر خانوارها به پخت نان نپرداخته و از سطح شهر خریداری می‌کنند و همچنین از تعداد کارگاه‌های تولید فرش در خانه‌ها کاسته شده است (جدول ۶ و ۷).

جدول ۶: نوع ساختمان

نوع ساختمان	گروه اول	گروه دوم
خشتی و گنبدی	۳۳/۳	۱۲/۵
آجری	۶۳/۲	۶۵/۷
اسکلتی و چند طبقه	۳/۵	۹/۷

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۳

جدول ۷: تحولات ساختاری مسکن روستایی در گروه اول و دوم در منطقه مورد مطالعه

مساحت کل ساختمان		زیربنای ساختمان		تعداد اتاق		قدمت ساختمان	
گروه اول	گروه دوم	گروه اول	گروه دوم	گروه اول	گروه دوم	گروه اول	گروه دوم
۱۰۰ - ۱۵۰	۲۶/۳	کمتر از ۱۰۰ متر	۷/۲	۱	۱/۱	۱ - ۵	۱۱/۶
۲۰۰ - ۲۵۰	۲۶/۳	۱۰۰ - ۱۵۰	۳/۱	۲	۱۷/۷	۱۰ - ۱۵	۲۴/۷
۳۰۰ - ۳۵۰	۳۸/۶	۲۰۰ - ۲۵۰	۳۴/۳	۳	۳۳/۹	۱۰ - ۱۵	۲۶/۳
۴۰۰ - ۴۵۰	۵/۳	۳۰۰ - ۳۵۰	۱۱/۴	۴	۱/۸	۱۵ - ۲۰	۱۲/۵
بالتر از ۴۵۰	۳/۵	۴۰۰ - ۴۵۰	۳/۹	-	-	بالتر از ۲۰ سال	۱۲/۷

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۳

یافته‌های پژوهش در ارتباط با تحولات مسکن و مقایسه در عناصر بین دو گروه نشان‌دهنده ایجاد تغییرات گسترده در ابعاد یاد شده هستند. در گروه اول نشان می‌دهد، برخورداری مسکن از سند مالکیت با ۴۲/۱، طولی و محل نگهداری دام ۵۲/۶، کارگاه فرآوری پسته ۵/۳، مکان دار قالی با ۵۲/۶، مکان نگهداری ادوات کشاورزی با ۶۶/۷، تنور جهت پخت نان با ۶۸/۴، انبار محصولات کشاورزی با ۷۱/۹، نگهداری مرغ و خروس ۷۱/۹ و تغییر مسکن در سه دهه اخیر با ۲۶/۳ درصد می‌باشد. در گروه دوم انبار محصولات کشاورزی با میانگین ۶۶٪، نگهداری ادوات کشاورزی با ۶۵/۳، کارگاه فرآوری پسته با ۶۰/۳، به ترتیب بیشترین درصدها را به خود اختصاص می‌دهند. بقیه عناصر مانند نگهداری مرغ و خروس، طولی و محل نگهداری دام، تنور جهت پخت نان و مکان دار قالی پایین‌ترین رتبه را دارا می‌باشند که نشان‌دهنده این است که سکونتگاه‌ها از حالت سنتی خود خارج شده و سبک مدرن با معماری جدید به خود گرفته‌اند (جدول ۸). همچنین در ادامه تصاویری از روستاهای دارای تغییر و بدون تغییر الگوی کشت مشاهده می‌شود که نشان‌دهنده تغییرات گسترده در سکونتگاه‌های سنتی منطقه مورد مطالعه می‌باشد.

جدول ۸: مقایسه تحولات رخ داده در عناصر مسکن روستایی در گروه اول و دو

شاخص	گروه اول (بدون تغییر الگوی کشت)	گروه دوم (تغییر الگوی کشت)
سند مالکیت	۴۲/۱	۵۵/۷
طولی و محل نگهداری دام	۵۲/۶	۳۵/۲
کارگاه فرآوری پسته	۵/۳	۶۰/۳
مکان دار قالی	۵۲/۶	۲۵/۶
مکان نگهداری ادوات کشاورزی	۶۶/۷	۶۵/۳
تنور جهت پخت نان	۶۸/۴	۲۶/۶
انبار محصولات کشاورزی	۷۱/۹	۶۸/۱
نگهداری مرغ و خروس	۷۱/۹	۳۵/۵
تغییرات مسکن در سه دهه اخیر	۲۶/۳	۷۵/۲

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۳



شکل ۲: تنور گلی در روستای دهنو



شکل ۳: طویله و محل نگهداری دام در روستای کورگه



شکل ۴: فضای آشپزخانه در روستای ملک آباد



شکل ۵: نمای خانه‌های سنگی در روستای حافظ آباد

در ادامه شاخص‌های کالبدی سکونتگاه‌های روستایی بدون تغییر الگوی کشت و دارای تغییر الگوی کشت در بین پاسخگویان مورد بررسی قرار گرفت. در بین شاخص‌های کالبدی در روستاهای بدون تغییر الگوی کشت شاخص «رضایت از فضای سبز منزل» و «رضایت از سیستم گرمایشی» به ترتیب با میانگین‌های ۳/۰۴ و ۲/۹۸ بالاترین رتبه و شاخص‌های «استحکام و مقاومت مسکن» و «رضایت از فضاهای معیشتی» با میانگین ۲/۲۵ و ۲/۴۱ پایین‌ترین رتبه را به خود اختصاص داده است. همچنین در روستاهای دارای تغییر الگوی کشت شاخص‌های «رضایت از سیستم نور و روشنایی» و «رضایت از فضاهای زیستی» با میانگین‌های ۴/۰۹ و ۴/۰۲ به ترتیب بیشترین و «رضایت از نگهداری ادوات کشاورزی» و «رضایت از فضای سبز منزل» با میانگین‌های ۲/۷۲ و ۲/۷۳ کمترین امتیاز را کسب کردند.

جدول ۹: شاخص‌های کالبدی در سکونتگاه‌های روستایی منطقه مورد مطالعه

شاخص‌های کالبدی	بدون تغییر الگوی کشت		دارای تغییر الگوی کشت	
	میانگین	انحراف معیار	رتبه	میانگین
استحکام و مقاومت مسکن	۲/۲۵	٪۸۵۸	۱۵	۳/۷۸
رضایت از فضاهای زیستی	۲/۸۸	٪۶۶۲	۶	۴/۰۲
رضایت از فضاهای معیشتی	۲/۴۱	٪۸۶۹	۱۴	۳/۴۳
رضایت از تعداد اتاق	۲/۸۶	٪۸۸۳	۷	۳/۶۶
رضایت از سیستم سرمایش	۲/۷۷	٪۶۸۷	۹	۳/۸۰
رضایت از سیستم گرمایش	۲/۹۸	٪۷۷۴	۲	۳/۷۷
رضایت از تفکیک واحد داخلی مسکن	۲/۷۹	٪۱۰۰۴	۸	۳/۶۵
رضایت از فضای سبز منزل	۳/۰۴	٪۱۰۲۶	۱	۲/۸۳
رضایت از زیربنای مسکن	۲/۹۵	٪۱۸۸۲	۴	۳/۷۱
رضایت از انبار محصولات کشاورزی	۲/۵۰	٪۹۱۵	۱۳	۲/۹۹
رضایت از نگهداری ادوات کشاورزی	۲/۹۱	٪۹۲۰	۵	۲/۷۲
رضایت از نما	۲/۵۵	٪۷۸۴	۱۲	۳/۶۶
رضایت از آشپزخانه	۲/۵۷	٪۸۷۱	۱۰	۳/۵۵
رضایت از سرویس بهداشتی	۲/۵۴	٪۷۸۵	۱۱	۳/۷۶
رضایت از سیستم نور و روشنایی	۲/۹۶	٪۱۰۲۶	۳	۴/۰۹

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۳

در ادامه تحقیق، شاخص‌های کالبدی در بین سطوح تغییر الگوی کشت مورد بررسی قرار گرفته است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که در بین شاخص‌های بررسی شده در سطح ۸۰ تا ۱۰۰ درصد «رضایت از فضاهای زیستی» با میانگین ۴/۰۴ بالاترین رتبه و «رضایت از فضای سبز منزل» با میانگین ۲/۶۷ پایین‌ترین رتبه را دارا می‌باشد. در تشریح و توضیح شاخص‌های بیان شده متناسب با شناخت از منطقه مورد مطالعه می‌توان گفت، حیاط جزء لاینفک از خانه‌های روستایی منطقه مورد مطالعه به حساب آمده و بخش اعظمی از مساحت هر خانه به حیاط و فضای سبز اختصاص دارد و فعالیت‌های عمده‌ای از قبیل: پختن نان، نگهداری ماشین آلات کشاورزی، باغچه و محل نگهداری ماکیان در آن صورت می‌گیرد، اما دگردیسی الگوی کشت نیز سبب تغییر ساختار کالبدی مساکن روستایی شد و مساحت کمتری به فضای سبز اختصاص یافته است.

جدول ۱۰: میانگین و انحراف معیار شاخص‌های کالبدی با سطوح دگردیسی الگوی کشت

انحراف معیار	میانگین	سطح‌بندی الگوی کشت	شاخص‌های کالبدی	انحراف معیار	میانگین	سطح‌بندی الگوی کشت	شاخص‌های کالبدی
۱/۰۲۶	۳/۰۴	تغییر نداشتند	رضایت از فضاهای سبز منزل	۸۵۸/۱	۲/۲۵	تغییر نداشتند	شاخص‌های کالبدی
۱/۱۶۱	۲/۸۲	۶۰-۴۰ درصد	رضایت از فضاهای سبز منزل	۱/۱۴۴	۳/۷۸	۶۰-۴۰ درصد	استحکام و مقاومت مسکن
۱/۲۱۷	۲/۷۰	۶۰ تا ۸۰ درصد	رضایت از فضاهای سبز منزل	۱/۱۸۴	۳/۷۹	۶۰ تا ۸۰ درصد	مقاومت مسکن
۱/۳۲۹	۲/۶۷	۸۰ تا ۱۰۰ درصد	رضایت از فضاهای سبز منزل	۱/۱۸۸	۳/۷۹	۸۰ تا ۱۰۰ درصد	مقاومت مسکن
۱/۱۸۲	۲/۹۵	تغییر نداشتند	رضایت از زیربنای مسکن	۶۶۲/۱	۲/۸۷	تغییر نداشتند	رضایت از فضاهای زیستی
۱/۰۰۲	۳/۶۷	۶۰-۴۰ درصد	رضایت از زیربنای مسکن	۹۰۰/۱	۴/۰۱	۶۰-۴۰ درصد	رضایت از فضاهای زیستی
۱/۰۴۴	۳/۷۰	۶۰ تا ۸۰ درصد	رضایت از زیربنای مسکن	۸۷۵/۱	۴/۰۲	۶۰ تا ۸۰ درصد	رضایت از فضاهای زیستی
۹/۲۱	۳/۷۷	۸۰ تا ۱۰۰ درصد	رضایت از زیربنای مسکن	۸۷۲/۱	۴/۰۴	۸۰ تا ۱۰۰ درصد	رضایت از فضاهای زیستی
۹/۹۱۵	۲/۵۰	تغییر نداشتند	رضایت از انبار محصولات کشاورزی	۸۶۹/۱	۲/۴۱	تغییر نداشتند	رضایت از فضاهای معیشتی
۱/۲۲۵	۲/۹۳	۶۰-۴۰ درصد	رضایت از انبار محصولات کشاورزی	۱/۳۷۶	۳/۲۹	۶۰-۴۰ درصد	رضایت از فضاهای معیشتی
۱/۲۵۶	۳/۰۳	۶۰ تا ۸۰ درصد	رضایت از انبار محصولات کشاورزی	۱/۳۰۶	۳/۳۰	۶۰ تا ۸۰ درصد	رضایت از فضاهای معیشتی
۱/۳۰۸	۳/۰۳	۸۰ تا ۱۰۰ درصد	رضایت از انبار محصولات کشاورزی	۱/۲۸۰	۳/۶۹	۸۰ تا ۱۰۰ درصد	رضایت از فضاهای معیشتی
۹/۲۰	۲/۹۱	تغییر نداشتند	رضایت از نگهداری ادوات کشاورزی	۸۸۳/۱	۲/۸۶	تغییر نداشتند	رضایت از تعداد اتاق
۱/۱۸۷	۲/۸۵	۶۰-۴۰ درصد	رضایت از نگهداری ادوات کشاورزی	۹۷۵/۱	۳/۶۴	۶۰-۴۰ درصد	رضایت از تعداد اتاق
۱/۲۶۲	۲/۶۶	۶۰ تا ۸۰ درصد	رضایت از نگهداری ادوات کشاورزی	۹۷۰/۱	۳/۶۵	۶۰ تا ۸۰ درصد	رضایت از تعداد اتاق
۱/۲۴۸	۲/۶۷	۸۰ تا ۱۰۰ درصد	رضایت از نگهداری ادوات کشاورزی	۸۹۲/۱	۳/۶۹	۸۰ تا ۱۰۰ درصد	رضایت از تعداد اتاق
۷/۸۴	۲/۵۵	تغییر نداشتند	رضایت از نما آشیخانه منزل	۶۸۷/۱	۲/۸۷	تغییر نداشتند	رضایت از سیستم سرمایشی
۹/۹۱۶	۳/۵۶	۶۰-۴۰ درصد	رضایت از نما آشیخانه منزل	۸۱۷/۱	۳/۷۲	۶۰-۴۰ درصد	رضایت از سیستم سرمایشی
۱/۰۴۷	۳/۶۹	۶۰ تا ۸۰ درصد	رضایت از نما آشیخانه منزل	۷۳۴/۱	۳/۸۲	۶۰ تا ۸۰ درصد	رضایت از سیستم سرمایشی
۹/۵۱	۳/۷۲	۸۰ تا ۱۰۰ درصد	رضایت از نما آشیخانه منزل	۸۷۷/۱	۳/۸۶	۸۰ تا ۱۰۰ درصد	رضایت از سیستم سرمایشی
۸/۷۱	۲/۵۷	تغییر نداشتند	رضایت از آشیخانه منزل	۷۷۴/۱	۲/۹۸	تغییر نداشتند	رضایت از سیستم گرمایشی
۱/۰۱۵	۳/۵۴	۶۰-۴۰ درصد	رضایت از آشیخانه منزل	۸۳۵/۱	۳/۷۰	۶۰-۴۰ درصد	رضایت از سیستم گرمایشی
۸/۷۸	۳/۵۶	۶۰ تا ۸۰ درصد	رضایت از آشیخانه منزل	۷۲۰/۱	۳/۸۰	۶۰ تا ۸۰ درصد	رضایت از سیستم گرمایشی
۸/۸۰	۳/۵۷	۸۰ تا ۱۰۰ درصد	رضایت از آشیخانه منزل	۹۰۱/۱	۳/۸۳	۸۰ تا ۱۰۰ درصد	رضایت از سیستم گرمایشی
۷/۷۵	۲/۵۴	تغییر نداشتند	رضایت از سرویس بهداشتی منزل	۱۰۰۴	۲/۸۹	تغییر نداشتند	رضایت از تفکیک واحدهای مسکن
۱/۰۴۹	۳/۷۴	۶۰-۴۰ درصد	رضایت از سرویس بهداشتی منزل	۹۰۶/۱	۳/۶۵	۶۰-۴۰ درصد	رضایت از تفکیک واحدهای مسکن
۹/۶۵	۳/۷۶	۶۰ تا ۸۰ درصد	رضایت از سرویس بهداشتی منزل	۱۰۰۶	۳/۶۶	۶۰ تا ۸۰ درصد	رضایت از تفکیک واحدهای مسکن
۱	۳/۷۷	۸۰ تا ۱۰۰ درصد	رضایت از سرویس بهداشتی منزل	۹۷۱/۱	۳/۶۷	۸۰ تا ۱۰۰ درصد	رضایت از تفکیک واحدهای مسکن
		تغییر نداشتند	رضایت از سیستم نور و روشنایی	۱۰۲۶	۲/۹۶	تغییر نداشتند	رضایت از سیستم نور و روشنایی
		۶۰-۴۰ درصد	رضایت از سیستم نور و روشنایی	۹۰۴/۱	۴/۰۶	۶۰-۴۰ درصد	رضایت از سیستم نور و روشنایی
		۶۰ تا ۸۰ درصد	رضایت از سیستم نور و روشنایی	۸۳۹/۱	۴/۰۷	۶۰ تا ۸۰ درصد	رضایت از سیستم نور و روشنایی
		۸۰ تا ۱۰۰ درصد	رضایت از سیستم نور و روشنایی	۸۴۷/۱	۴/۱۴	۸۰ تا ۱۰۰ درصد	رضایت از سیستم نور و روشنایی

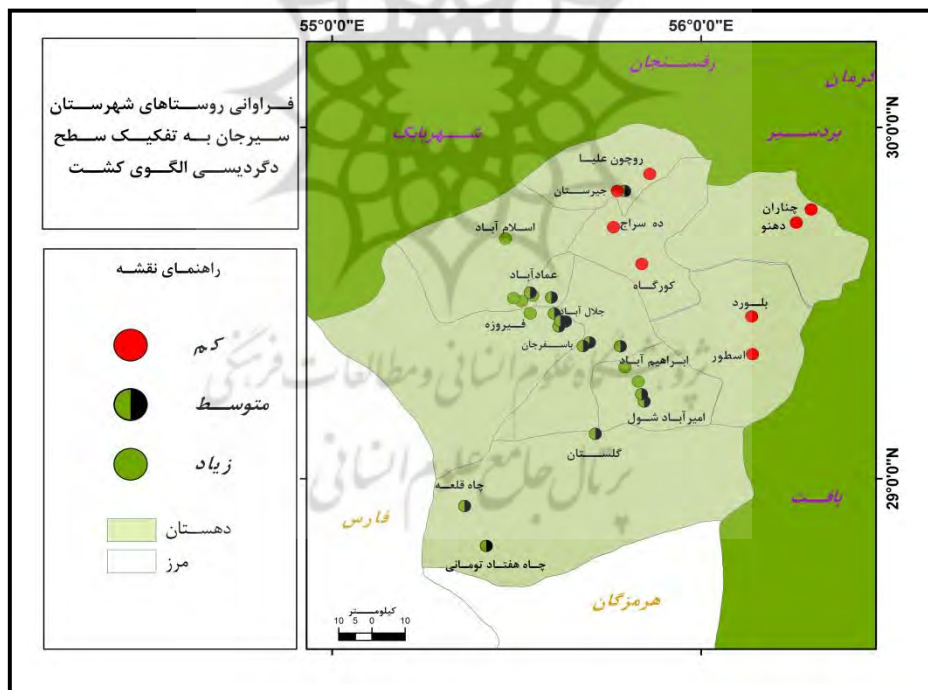
منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۳

در جدول ۱۱ میانگین و انحراف معیار شاخص‌های کالبدی در بین روستاهای نمونه مشاهده می‌شود؛ در روستاهای مبارکه و ابراهیم آباد با میانگین ۴/۰۸ و ۴/۰۶ بیشترین امتیاز و روستای دهنو با میانگین ۲/۰۳ کمترین امتیاز را در بین سطح تغییرات کالبدی سکونتگاه‌های روستایی به خود اختصاص داده‌اند. با این تفاوت که روستای دهنو تغییر الگوی کشت نداشتند و روستاهای مبارکه و ابراهیم آباد با قرار داشتن در گروه دوم بیشترین تغییرات را کسب‌نموده‌اند که در شکل ۵ این تغییرات مشاهده می‌شود:

جدول ۱۱: میانگین و انحراف معیار شاخص‌های کالبدی در روستاهای جامعه نمونه

روستا	شاخص کالبدی	روستا	شاخص کالبدی
نام	میانگین	نام	میانگین
جلال آباد	۴/۰۲	چاه قلعه	۲/۸
فخرآباد	۳/۶۹	چاه هفتاد تومانی	۲/۸
فیروزه	۳/۸۷	گلستان	۳/۰۶
باسفرجان	۳/۶۴	ابراهیم آباد	۴/۰۶
شریف آباد	۳/۴۸	ملک آباد	۳/۸۲
حجت آباد	۳/۵۶	دارستان	۳/۸۴
عزت آباد	۳/۷۲	امیرآبادشول	۳/۶۱
سلیمانیه	۳/۶۲	جیرستان	۲/۶۶
اکیرآباد	۳/۶۷	پسوجان	۳
حافظ آباد	۳/۸۴	روچون علیا	۲/۶۶
دارینویه	۴/۰۵	کورگاہ	۲/۵۳
اسلام آباد	۳/۶	ده سراج	۲/۵۵
نصرت آباد	۳/۶۴	اسطور	۳/۱۲
محمودآبادسید	۳/۶۱	بلورد	۲/۷۷
عمادآباد	۳/۶۸	چناران	۲/۸۶
مبارکه	۴/۰۸	دهنو	۲/۰۳

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۳



شکل ۶: فراوانی روستاهای شهرستان سیرجان به تفکیک دگر دیسی الگوی کشت و تغییرات کالبدی

منبع: نگارندگان

تحلیل فضایی شکل ۵ نشان‌دهنده این است که هر چه به طرف شرق و شمال شهرستان پیش می‌رویم از میزان تغییر الگوی کشت کاسته می‌شود که به دلیل شرایط جغرافیایی و وجود شیب و ارتفاع زیاد محصول پسته در آنجا تولید و برداشت نمی‌شود و تغییرات کالبدی در این قسمت دیده نمی‌شود. طبق یافته‌های تحقیق بیشتر مردم این منطقه به دامداری و کشت محصولات زراعی مشغول هستند و در فصل برداشت محصول پسته به قسمت‌های غرب شهرستان

می‌روند. در نهایت طی بررسی‌های انجام شده در پژوهش، تفاوت بین سکونتگاه‌های روستایی دارای تغییر الگوی کشت و بدون الگوی کشت در روستاهای شهرستان سیرجان به لحاظ بعد کالبدی، مورد مقایسه قرار گرفته و نتیجه به صورت خلاصه در جدول ۱۲ ارائه شده است:

جدول ۱۲: تفاوت بین سکونتگاه‌های روستایی بدون تغییر و دارای تغییر الگوی کشت در منطقه مورد مطالعه

خانه‌های سنتی (بدون تغییر الگوی کشت)	خانه‌های جدید (دارای تغییر الگوی کشت)
۱- استفاده از امکانات محیطی	۱- عدم تطابق با محیط
۲- استفاده از نیروی انسانی محلی	۲- وابستگی به شهر (خروج سرمایه از روستا به شهر)
۳- حیاط مرکزی اصلی‌ترین قسمت	۳- کوچک شدن حیاط یا فاقد آن
۴- خانه‌ها تک واحدی	۴- خانه‌ها چند واحدی
۵- مصالح و اصول معماری سنتی	۵- استفاده از روش و فنون جدید معماری
۶- آشپزخانه و مطبخ محجوب	۶- آشپزخانه اوپن مخصوص آماده سازی غذا
۷- دارابودن یک حوض کوچک در حیاط	۷- فاقد حوض
۸- تمامی قسمت‌های خانه دست ساز	۸- بیشتر کارخانه‌ای و پیش ساخته
۹- وجود فضاهای زیاد برای ساخت دلخواه خانه	۹- احداث خانه بر روی زمین‌های خالی، قدیمی و کلتگی
۱۰- محل تفریح	۱۰- فضایی برای تفریح وجود ندارد.
۱۱- روش سنتی برای ساخت و ساز	۱۱- تکنیک‌ها و مصالح جدید
۱۲- تفکیک بین عناصر	۱۲- محدود به اتاق خواب، مهمانخانه و پذیرایی

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۳

همچنین، در راستای سنجش ارتباط بین سطح دگردیسی الگوی کشت و ساختار کالبدی سکونتگاه‌های روستایی در روستاهای شهرستان سیرجان، با توجه به اینکه وضعیت یک متغیر در بین چند گروه مستقل مقایسه و ارزیابی شود، از آزمون کروسکال والیس استفاده گردید. با توجه به جدول ۱۳، سطح معناداری برابر با ۰.۰۰۰٪ می‌باشد، در سطح اطمینان ۹۹ درصد تأیید می‌شود. یعنی بین سطح دگردیسی الگوی کشت و ساختار کالبدی سکونتگاه‌های روستایی تفاوت معناداری وجود دارد.

جدول ۱۳: آزمون کروسکال والیس در شاخص‌های کالبدی

شاخص کالبدی	
Chi-Square	۹۸۶.۹۹
Df	۳
Asymp. Sig.	٪۰.۰۰۰

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۳

جدول ۱۴: میانگین وزنی شاخص‌های کالبدی

Ranks		
Mean Rank	N	درصد تغییر الگوی کشت
۵۴/۵۵	۵۶	تغییر نداشتند
۲۱۲/۷۸	۹۶	۴۰-۶۰
۲۰۹/۱۲	۱۰۸	۶۰-۸۰
۲۱۲/۴۷	۱۱۵	۸۰-۱۰۰

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۳

نتیجه‌گیری

ویژگی‌های ساختاری کارکردی نظام فضایی سکونتگاه‌های روستایی و پیرو آن مسکن روستایی، ارتباط مستقیمی با محیط اکولوژیکی و انسانی دارد. بر همین اساس ویژگی‌های ساختاری مسکن روستایی در یک پیوستگی متقابل با مجموعه عوامل محیط طبیعی و شرایط اجتماعی-فرهنگی قرار دارد. بنابراین با بهره‌گیری از دیدگاه پویا

ساختاری کارکردی، ویژگی‌های سکونتگاه‌های روستایی شهرستان سیرجان مورد بررسی واقع شد. بنابراین، این گونه می‌توان گفت که با افزایش سطح تغییر الگوی کشت، ساختار کالبدی سکونتگاه‌های روستایی نیز تغییر پیدا می‌کند. براساس یافته‌های تحقیق، در پی دگرگونی‌های دهه‌های اخیر، فضاها و روستایی در این منطقه نیز دستخوش تحول و دگرگونی شده‌اند. ۱۴/۹ درصد خانوارها به دلیل شرایط اقلیمی، تغییر الگوی کشت نداشتند و ۸۵/۱ درصد خانوارها دارای تغییر الگوی کشت بوده‌اند. در پی این تغییر و تحول در روستاهای دارای تغییر، کشاورزی تجاری، نظام سکونتگاهی مدرن و با مصالح جدید همچون آجر، آهن، گچ و سیمان ساخته شده است و از نظر وسعت و شکل فضای آزاد، ساخت بنا، شکل درونی اتاق‌ها (تعداد اتاق‌ها و کارکرد آن‌ها)، شکل ظاهری خانه‌ها (شیوه ساخت و معماری) تغییرات ایجاد شده است و سبب تقسیم واحدهای مسکونی به قسمت‌های مختلف مانند پذیرایی، نشیمن، اتاق خواب شده است. به طوریکه از مساحت و تعداد اتاق آن‌ها کاسته شده و عناصری همچون محل نگهداری دام، کارگاه تولید فرش از خانه‌های روستایی حذف شده است و کارگاه‌های خانگی جهت پاک‌کردن و خشک کردن پسته و انبار نگهداری در اکثر مسکن اضافه گردیده است. در بین شاخص‌های مورد بررسی در روستاهای بدون تغییر الگوی کشت شاخص «رضایت از فضای سبز منزل» با میانگین‌های ۳/۰۴ بیشترین امتیاز و «استحکام و مقاومت مسکن» با میانگین ۲/۲۵ امتیاز را به خود اختصاص داده است. همچنین در روستاهای دارای تغییر الگوی کشت شاخص‌های «رضایت از سیستم نور و روشنایی» و «رضایت از فضاهای زیستی» با میانگین‌های ۴/۰۹ و ۴/۰۲ به ترتیب بیشترین و «رضایت از نگهداری ادوات کشاورزی» و «رضایت از فضای سبز منزل» با میانگین‌های ۲/۷۲ و ۲/۷۳ پایین رتبه را کسب کردند. چون حذف فضاهای سبز و باز از خانه‌های مدرن یکی دیگر از معضلات است از آنجا که با تغییر در ساخت و ساز منزل از مساحت آن‌ها کم شده است و مساحت کمتری به فضای سبز اختصاص یافته است. بررسی جداول شاخص‌های کالبدی نشان می‌دهد که تفاوت معناداری بین چهار سطح تغییر الگوی کشت و ساختار کالبدی سکونتگاه‌ها وجود دارد.

منابع

- آمار، تیمور و رضایی، پرویز (۱۳۸۶)، «بررسی عوامل مؤثر در تحولات نظام زراعی دهستان رحمت آباد در دهه ۱۳۷۰ - ۸۰»، پژوهش‌های جغرافیایی، شماره ۶۱، صص ۱۱۳ - ۱۰۱.
- احمدی شاپورآبادی، محمدعلی؛ تقدیسی و رضوانی، محمدرضا (۱۳۹۲)، «شناسایی و تحلیل عوامل مؤثر بر تغییرات کارکردی نواحی روستایی استان قم»، دوفصلنامه علمی - پژوهشی آمایش سرزمین، دوره پنجم، شماره اول، صص ۱۸۱ - ۲۰۹.
- بیتی، حامد (۱۳۸۹)، «ارزیابی جایگاه الگوهای بومی در برنامه‌های ساخت و ساز مسکن روستایی، مطالعه موردی: استان آذربایجان شرقی»، فصلنامه مدیریت شهری، شماره ۲۹، صص ۱۳۰ - ۱۱۵.
- جهاد کشاورزی شهرستان سیرجان، ۱۳۹۳.
- زرگر، اکبر (۱۳۸۶)، درآمدی بر شناخت معماری روستایی ایران، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، چاپ چهارم، تهران.
- سرای، محمدحسین (۱۳۹۱)، «تطور سکونت شهری از مجموعه‌های فامیلی (محل‌های) تا بلوک‌های آپارتمانی (تفاوت‌های اساسی خانه و مسکن در شهر یزد)»، مجله پژوهش و برنامه‌ریزی شهری، سال سوم، شماره دهم، صص ۴۲ - ۲۳.

- سعیدی، عباس (۱۳۹۰)، «پویش ساختاری- کارکردی رویکردی نظام‌وار در مطالعات مکانی- فضایی»، فصلنامه علمی - پژوهشی انجمن جغرافیای ایران، سال نهم، شماره ۲۹، صص ۱۶-۷.
- سعیدی، عباس و احمدی، منیژه (۱۳۹۰)، «شهرگی و دگردیسی ساختاری- کارکردی خانه‌های روستایی مطالعه موردی: روستاهای پیرامون شهر زنجان»، فصلنامه علمی- پژوهشی انجمن جغرافیای ایران، دوره جدید، سال نهم، شماره ۳۱، صص ۳۲-۷.
- سعیدی، عباس و امینی، فریبا (۱۳۸۹)، «ناپایداری سکونتگاهی و تحول کارکردی مسکن روستایی»، فصلنامه علمی- پژوهشی انجمن جغرافیای ایران، سال هشتم، شماره ۲۷، صص ۴۳-۲۹.
- سعیدی، عباس و حسینی حاصل، صدیقه (۱۳۸۸)، «شالوده مکان‌یابی و استقرار روستاهای جدید، انتشارات شهیدی، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، چاپ اول، تهران.
- سعیدی، عباس؛ طالشی، مصطفی و رابط، علیرضا (۱۳۹۲)، «نوسازی مسکن و دگرگونی ساختاری - کارکردی خانه‌های روستایی مورد: روستاهای شهرستان ایجرود»، فصلنامه بین‌المللی انجمن جغرافیای ایران، دوره جدید، سال یازدهم، شماره ۳۸، صص ۳۱-۵.
- شمس‌الدینی، علی (۱۳۸۷)، «جایگاه مسکن روستایی در تأثیرپذیری تغییرات کالبدی- فضایی روستاها از محیط شهری»، فصلنامه مسکن و انقلاب، شماره ۱۲، صص ۵۱-۴۰.
- شمس‌الدینی، علی؛ شکور، علی و رستمی، روح‌الله (۱۳۹۰)، «تأثیر نوسازی مسکن روستایی بر اقتصاد معیشتی روستاییان مطالعه موردی: بخش مرکزی شهرستان ممسنی»، فصلنامه مسکن و محیط روستا، شماره ۱۳۵، صص ۷۰-۵۷.
- صدیایی، سیداسکندر و قاسمیان، زری (۱۳۹۱)، «بررسی روند تغییرات کارکردی خانه‌های روستایی نمونه موردی: روستای گرجی محله، استان مازندران»، مجله علمی تخصصی برنامه‌ریزی فضایی، سال دوم، شماره اول، صص ۱۰۶-۸۷.
- طالب، مهدی و عنبری، موسی (۱۳۸۴)، «جامعه‌شناسی روستایی با ابعاد تغییر و توسعه در جامعه روستایی ایران، تهران، دانشگاه تهران.
- علی‌الحسابی، مهران و کرانی، نعیمه (۱۳۹۲)، «عوامل تأثیرگذار بر تحول مسکن از گذشته تا آینده»، فصلنامه مسکن و محیط روستا، شماره ۱۴۱، صص ۳۶-۱۹.
- قادرمرزی، حامد؛ جمینی، داوود؛ جمشیدی، علیرضا و چراغی، رامین (۱۳۹۲)، «تحلیل نابرابری فضایی شاخص‌های مسکن در مناطق روستایی استان کرمانشاه»، فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، سال دوم، شماره ۱، پیاپی ۳، صص ۹۳-۱۱۳.
- قاسمی اردهائی، علی و رستمعلی زاده، ولی‌اله (۱۳۹۱)، «اثرات وام مسکن روستایی در تغییرات زندگی روستایی»، فصلنامه مسکن و محیط روستا، شماره ۱۳۹، صص ۸۴-۶۹.

Banski, J and Wośowska, M. (2010), "Transformations in housing construction in rural areas of Poland's Lublin region Influence on the spatial settlement structure and landscape aesthetics", *Landscape and Urban Planning*, Volume 94, Issue 2, pp 116 – 126 .

Duffy, P. (1983), "Rural Settlement Change in the Republic of Ireland -a Preliminary Discussion", *Geoforum*. Vol. 14, No. pp. 185- 191 .

Franklin, B. (2006), *Housing Transformation*, London, Routledge Great Britain.

The Analysis of the Effects of metamorphosis of planting pattern on physical structure of Settlement rural in Sirjan township

Mahmoudreza Mirlatifi*

Assistant Prof. of Geography & Rural Planning, University of Zabol, Zabol, Iran

Mahdiyeh PourjafarAbadi

M.A. in Geography & Rural Planning, University of Zabol, Zabol, Iran

Abstract

Rural habitats as the oldest form of human communities have been developed and expanded as a result of changes in the people's lifestyles based on agriculture. In this regard, the predominant lifestyle in these life foci is an important factor for the context, body and form of houses as well as reflecting the function of the village in that region. With this attitude of the present paper aims to review the effects of the physical structure of the settlement pattern on the metamorphosis of the descriptive method of Sirjan County rural analytical is fitted. Collection of data collection through the library studies, and completed questionnaires from farmers in the four floors of the typical community villages has been doing. To test the assumptions of Kruskal–Wallis has been used. Forklift at suggests that physical structure on the change pattern of metamorphosis preparing rural for the study area is fitted to a large effective 85/1% households have been refined pattern that changed in the wake of the change of modern settlement system and to imitate the style of urban dwellings with new materials such as brick, cement, plaster and iron has been made. In terms of the extent and shape of the free space, built on the inner shape of the room, lift (number of rooms and the forklift operation), the look of the House lift (the way construction and architecture) has been created and changes of area and number of rooms that lift and reduce the elements such as the whereabouts of livestock, production workshop rugs, made of rustic home has been removed and in between the index of review on the levels of satisfaction of "cultivation pattern change of biological spaces» 04/4 with an average of the highest rank And "the consent of the Green House with an average of 67/2 space down most of the ratings are fitted.

Dictionary

Keywords: metamorphosis, cropping patterns, physical structure, Settlement rural, Sirjan Township.

Received Date: 16 May 2015

Accepted Date: 19 July 2015

* (Corresponding author) MMirlotfi@uoz.ac.ir